

آنچه باعث پیوند من با این برنامه شده در واقع پیوند با مردم است
و تمام انرژی ام را همین مردم می‌گیرم. مردمی که سال‌هاست همراه این برنامه
هستند و بنده چه حضوری و چه از طریق امواج رادیو، میهمان خانه
پر مهر و قلب‌های گرم و مهربانشان بودم



پشت صحنه قدیمی‌ترین برنامه رادیویی هرمزگان چه می‌گذرد؟

از «دهقان» تا «زیر سرگِ بالا شهر»

❗ چه چیزی شما را با این برنامه پیوند داده است که نزدیک به چهل سال به عنوان گزارشگر این برنامه حضور داشته‌اید یا به عبارتی رکورد گزارشگری در یک برنامه رازده‌اید؟

در واقع کار هنری یک عشق است و باید عاشقانه به آن نگاه کرد؛ به ۴۰ سال زمان کمی نیست اما آنچه باعث پیوند من با این برنامه شده در واقع پیوند با مردم است و تمام انرژی ام را از همین مردم می‌گیرم. مردمی که سال‌هاست همراه این برنامه هستند و بنده چه حضوری و چه از طریق امواج رادیو، میهمان خانه پر مهر و قلب‌های گرم و مهربانشان بودم. هنوز هم در روستاها، پدر و پسر و نوه و از سه نسل مختلف، شنونده این برنامه هستند.

❗ شما در گزارش‌هایتان ارتباط نزدیکی با مخاطب برقرار می‌کنید، چگونه این اتفاق می‌افتد؟

معمولاً کار رادیو با تلویزیون متفاوت است، در تلویزیون تصویرها سخن می‌گویند ولی در رادیو باید با کلام تصویر سازی کرد؛ اما آنچه مهم است همان برخورد اولیه گزارشگر با طرف مقابل است که باید به شکلی باشد که دچار استرس نشود؛ خود میکروفن برای مخاطب استرس می‌آورد، لذا باید هر چیزی که به مخاطب استرس وارد می‌کند را از او دور کرد. البته هر گزارشگری باید سبک خاص خودش را داشته باشد و بنده هم سبک خاص خودم را دارم. تهیه گزارش در روستاها واقعا سخت تر از مناطق شهری است و به سختی با رسانه‌ها به ویژه رادیو و تلویزیون مصاحبه می‌کنند. اما در تمام گزارش‌ها من قبل از هر چیز با آنها دوست می‌شوم. مثلاً اگر قرار باشد با یک دامدار گفت‌وگو کنم، ابتدا او را در هدایت گوسفندانش کمک کرده و بعد از آن به قول معروف سر قصه را باز می‌کنم؛ به همین دلیل گزارش‌ها بسیار صمیمی و خودمانی از آب در می‌آید.

زیر سرگ بالا شهر به تهیه‌کنندگی عباس ایرانمنش و مریم آیسیه؛ نویسندگی فاطمه امیرابراهیمی و ارسلان خویبیری و گویندگی فاطمه ساحلی زادگان و فیروزه هاشمی‌پور، هر شب از ساعت ۲۰:۱۵ الی ۲۱ در رادیو خلیج فارس پخش می‌شود.



هر گزارشگری باید سبک خاص خودش را داشته باشد و بنده هم سبک خاص خودم را دارم. تهیه گزارش در روستاها واقعا سخت‌تر از مناطق شهری است و به سختی با رسانه‌ها به ویژه رادیو و تلویزیون مصاحبه می‌کنند.

❗ زیر سرگ بالا شهر به چه معنی است؟
سیرگ در واقع سایه‌بانی است که از چوب و شاخ و برگ درخت نخل ساخته می‌شود و دارای چهار پایه از جنس کنده درخت خرماست. بالا شهر هم بر خلاف تصور عامه و گویش سایر استان‌های دیگر، معنی روستا می‌دهد و در هرمزگان بویژه شهر بندرعباس، وقتی کسی عازم بالا شهر می‌شود یعنی در واقع عازم روستا می‌شود.

❗ ارزیابی خودتان از این برنامه چیست؟
برنامه از قدیم الایام تا کنون در قالب خاصی تهیه می‌شود و به جرأت می‌توان گفت یکی از برنامه‌های برند رادیو خلیج فارس یکی از پرشنونده‌ترین برنامه‌های رادیو از چهار دهه پیش تا کنون بوده است. البته در زمان حاضر، اینترنت و فضای مجازی بسیاری از کارها را آسان کرده اما در گذشته که ارتباط مردم از طریق نامه صورت می‌گرفت، تعداد نامه‌هایی که برای این برنامه پست می‌شد واقعا چشمگیر بود و به قول همکاران هر هفته یک کارتن نامه داشتیم. اکنون هم علاوه بر ارزیابی دورن سازمانی از برنامه، هر ساله از سوی سازمان از مردم نیز نظرسنجی صورت می‌گیرد که همیشه این برنامه نمره قابل قبولی داشته است.



آنچه مهم است همان برخورد اولیه گزارشگر با طرف مقابل است که باید به شکلی باشد که دچار استرس نشود؛ خود میکروفون برای مخاطب استرس می‌آورد، لذا باید هر چیزی که به مخاطب استرس وارد می‌کند را از او دور کرد

❗ برای اطلاع از چگونگی تولید و پخش این برنامه به سراغ علی حاجی زاده که نزدیک به چهل سال گزارشگری این برنامه را بر عهده داشته‌رقتیم. علی حاجی زاده متولد ۱۳۴۱ در بندرعباس است و در این گفت‌وگو از خود و آغاز همکاری با این برنامه می‌گوید.

حدود سال‌های ۵۸-۵۹ و سال‌های آخر دبیرستان بودم که صدا و سیما نسبت به جذب نیرو از جمله گزارشگر اطلاعیه داده بود و بنده نیز به همراه ۲۰۰ نفر دیگر در آزمون ورودی شرکت کردم که به عنوان گزارشگر انتخاب شدم و نخستین برنامه‌ای که گزارش بنده در آن پخش شد، همین برنامه روستا یا زیرسرگ بالا شهر بود. در این میان فقط از سال ۶۱ تا ۶۳ به دلیل انجام خدمت سربازی از برنامه دور بودم که پس از آن دوباره به عنوان گزارشگر این برنامه مشغول به کار شدم.

ضمن اینکه از سال ۱۳۶۰ به بعد نیز همزمان و به صورت حرفه‌ای کار روزنامه‌نگاری را نیز شروع کردم که با اکثر نشریات استانی از جمله صبح ساحل، ندای هرمزگان و همچنین روزنامه‌های کشوری مانند همشهری و... همکاری داشتم و تا سال ۸۱ هم به عنوان خبرنگار و سردبیر ندای هرمزگان مشغول به کار بودم.